

رجوع شوهر در طلاق بر مبنای خشونت خانگی، ممکن یا غیرممکن؟

Photo: ia_64/bigstockphoto.com

موسی برزین - پژوهشگر حقوق

یکی از مهمترین راهکارها برای رهایی از خشونت خانگی، جدایی قربانی از مرتکب خشونت است. در حقوق تمامی کشورها جدایی زن و شوهر به عنوان یک راهکار برای خاتمه دادن به یک زندگی ناموفق و نامطلوب به رسمیت شناخته شده است. در حقوق ایران نیز در برخی موارد قربانی زن خشونت خانگی می‌تواند تقاضای طلاق دهد. یکی از این موارد عسر و حرج است.

بر اساس قانون مدنی ایران چنانچه در اثر رفتار شوهر وضعیتی برای زن به وجود آید که تحمل آن مشکل بوده و باعث مشقت و سختی شود، زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق کند. ماده 1130 قانون مدنی ایران عسر و حرج و بعضی از مصادیق آن را توضیح داده است. به عبارتی ماده 1130 و عسر و حرج مهمترین ابزار قانونی در دستان زنان قربانی خشونت خانگی برای طلاق است. معمولاً به هنگامی که زن قربانی خشونت خانگی یک طرفه تقاضای طلاق می‌کند، شوهر به دلایلی راضی به جدا شدن نمی‌باشد. از طرف دیگر در برخی موارد شوهر حتی پس از طلاق و در مدت عده می‌تواند رجوع کرده و طلاق را بلااثر کند. حال سوال این است اگر حکم طلاق بر اساس عسر و حرج زن صادر شده باشد مرد می‌تواند در مدت عده رجوع کند؟ آیا منطقی است طلاق که به دلیل خشونت خانگی علیه زن صورت گرفته باشد، توسط مردی که خود مرتکب خشونت شده است قابل ابطال باشد؟

طلاق رجعی و طلاق بائن

بر اساس یک تقسیم بندی کلی در حقوق ایران طلاق به دو قسمت کلی تقسیم می‌شود. طلاق رجعی و طلاق بائن. طلاق رجعی طلاقی است که مرد در مدت عده زن، حق رجوع دارد و طلاق بائن طلاقی است که حق رجوع برای مرد وجود ندارد. حق رجوع نیز به این معناست که مرد در مدت عده می‌تواند با گفتار و رفتار خود از طلاق صرف نظر کرده و به زندگی مشترک با زن ادامه دهد.

طلاق خلع و مبارات از جمله طلاق بائن محسوب می‌شود لذا برای مرد حق رجوع وجود ندارد. ماده 1144 و 1148 قانون مدنی صراحتاً این را گفته است. همچنین قانون مدنی در ماده 1145 عنوان کرده است که: «در موارد ذیل طلاق بائن است - 1: طلاقیکه قبل از نزدیکی واقع شود. - 2: طلاق یائسه - 3: طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع بعوض نکرده باشد. - 4: سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی بعمل آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید.»

حال با توجه به اینکه طلاق عسر و حرجی در ماده فوق ذکر نشده است، برخی‌ها معتقدند که این نوع طلاق رجعی بوده و مرد حق رجوع در دوران عده را دارد. برخی‌ها نیز با اعتقاد بر اینکه طلاق بر اساس عسر و حرج رجعی است اما حق رجوع برای مرد را به رسمیت نمی‌شناسند در مقابل برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند طلاق بر اساس عسر و حرج از نوع بائن بوده و مطلقاً حق رجوع برای مرد نیست. نتیجه این بحث بسیار مهم است. اگر بپذیریم که مرد در طلاق عسر و حرجی در مدت عده حق رجوع دارد با یک تعارضی مواجه خواهیم شد. زیرا زنی که برای رهایی از خشونت از دادگاه تقاضای طلاق داده است و قاضی حکم طلاق صادر کرده است، در معرض خطر ابطال جدایی خواهد بود زیرا مرد می‌تواند در مدت عده رجوع کرده و تلاش‌های زن را بلااثر کند. به عبارتی قانون از یک طرف اجازه طلاق برای زن قربانی خشونت خانگی داده اما از طرف دیگر برای مرد اختیار بلااثر کردن طلاق را به رسمیت شناخته است!

این موضوع در رویه قضایی نیز مورد اختلاف است. تا کنون آرا و احکام و نظریات متفاوتی در این مورد صادر شده است. (برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع کنید به: محمد علی انصاری پور و محمد حسن صادقی مقدم، نوع طلاق مبتنی بر عسر و حرج، مجله نامه مفید، شماره 67، سال 1387)

نظرات متفاوت

در کنار نظرات و احکامی که معتقد به رجعی بودن طلاق بر مبنای عسر و حرج هستند، نظراتی هم این نوع طلاق را بائن دانسته و حق رجوع برای مرد را به رسمیت نشناخته‌اند. کمیسیون قوانین مدنی اداره حقوقی دادگستری در نظریه مشورتی شماره 69-3-29-7-697 در پاسخ به این سوال که «آیا در مواردی که زوجه ضمن مطالبه حقوق شرعی و قانونی به لحاظ عسر و حرج خویش از دادگاه تقاضای طلاق نماید و با امتناع زوج، حاکم زوجه را مطلقه کند، طلاق مزبور رجعی است؟» می‌گوید: «احصا موارد طلاق بائن در ماده 1145 قانون مدنی با توجه به موارد عادی طلاق است که وفق موازین شرع و قانون مدنی اصولاً در اختیار زوج است... بنابراین می‌توان گفت

طلاق‌هایی که زوج با اختیار و حقی که دارد واقع می‌شود اصولاً رجعی است و در ایام عده حق رجوع دارد به جز مواردی که تصریح به بائن بودن آن شده است و این امر منصرف از مواردی است که به رغم اراده و خواست مرد، به حکم دادگاه طلاق واقع می‌شود. بنابراین با توجه به حکمتی که برای الزام شوهر به طلاق توسط دادگاه وجود دارد و ملاک موجود در روایات مربوط به اختیار حاکم در تفریق زوجین در مورد استتکاف شوهر از دادن نفقه و فتوای برخی مراجع به بائن بودن طلاق حاکم در مورد مزبور، به نظر کمیسیون طلاقی که بر اجرای مواد 1129 و 1130 قانون مدنی به حکم دادگاه واقع می‌شود بائن محسوب است و زوج در ایام عده حق رجوع ندارد. «همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه در در نظریه شماره 7/2177 مورخ 4/6/1386 بیان کرده است که:» در صورتی که با احراز عسرو حرج طلاق واقع شود، این طلاق بائن محسوب می‌گردد نه رجعی زیرا اگر طلاق رجعی باشد رافع عسرو حرج زوجه نخواهد بود و بی‌نتیجه و عبث است بعضی از فقهای بزرگ معاصر مانند آیت‌الله خویی در منهاج‌الصالحین بدین‌گونه فتوا داده‌اند...».

رویه قضایی

به نظر می‌رسد در طلاقی که شوهر الزام به طلاق می‌شود حق رجوع وجود نداشته باشد زیرا وقتی دادگاه شوهر را الزام به طلاق می‌کند قائل بودن حق رجوع برای وی منطقی نیست. چگونه ممکن است دادگاه علی‌رغم عدم رضایت شوهر به جدایی، حکم طلاق را به دلیل رفتارهای خستونت‌آمیز وی صادر کند اما از طرف دیگر این شوهر بتواند با رجوع در زمان عده این حکم را بلااثر نماید! از طرف دیگر حکم طلاق به دلیل عسر و حرج زن صادر می‌شود چنانچه معتقد به رجعی بودن طلاق باشیم به راحتی ممکن است زن دوباره در حالت عسر و حرج قرار گیرد. به هر حال در رویه قضایی نیز دادگاه‌ها این طلاق را بائن محسوب می‌کنند تا به نوعی مرد نتواند در مدت عده به زن رجوع کرده و طلاق را ابطال کند. به این صورت که با بخشش اندکی از اموال زن به مرد از جمله بخشش قسمتی از مهریه، طلاق تبدیل به طلاق خلع می‌شود و در طلاق خلع نیز زن تا از این بخشش رجوع نکرده مرد نمی‌تواند در مدت عده از طلاق انصراف داده و به زن رجوع کند.